

روند آستانه: نمایشی انعطاف‌پذیر ولی شکننده برای روسیه

به قلم شارل تیپو (/fa/experts/sharl-typw/)

۲۸ آوریل ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

(ar/policy-analysis/mlyt-astana-rd-mrn-wlkn-hshw-balnsbt-lrwsya/)

درباره نویسنده



شارل تیپو (/fa/experts/sharl-typw/)

شارل تیپو هموند مهمان در انستیتو واشنگتن پیش از این برای موسسات دیپلماتیک اروپا در سوریه، الجزایر، عراق، فرانسه، بلژیک و آلمان کار کرده است.



تحلیل کوتاه

روند آستانه گرچه موفقیت راهبرد چابک نظامی و دیپلماتیک مسکو را در سوریه نشان می‌دهد اما ناتوانی (یا بی‌میلی) کرملین را در حل این بحران پایان‌ناپذیر برجسته می‌کند

در ۲۲ آوریل دیپلمات‌های ارشد روسیه ترکیه و ایران جلسه مجازی «چارچوب آستانه» را برگزار کردند. نشست که سه سال پیش برای کمک به مذاکره برای پایان مناقشه سوریه تشکیل شد، این نشست که فقط چند هفته بعد از یک آتش‌بس شکننده در استان ادلب سوریه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/idlib-may-become-the-next-gaza-strip>) برگزار شد، موید این است که چارچوب آستانه هم یک پیروزی دیپلماتیک جالب توجه و هم نمایشی گمراه‌کننده از واقعیت سیاسی سوریه است.

دیپلماسی نظامی تدریجی و فرصت‌طلبانه

روند آستانه برای روسیه یک هدف کلیدی داشته است: جمع کردن جبهه‌های نظامی متعدد زیر یک چتر گسترده‌تر دیپلماتیک تا هدف دیرینه سیاست روسیه را یعنی نگه داشتن بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه در قدرت تامین کند. چارچوب آستانه رسماً در سال ۲۰۱۷ برای رسمیت دادن به گفت‌وگوی روسیه با ترکیه و ایران آغاز شد. ایران از برخی گروه‌های مسلح درگیر در جنگ سوریه حمایت می‌کند. ایجاد این چارچوب گفت‌وگو به شکل نمادین دستاورد مهمی برای مسکو محسوب می‌شد که تلاش می‌کرد آمریکا را به حاشیه براند و از روابطش با ترکیه که مخالف اصلی اسد است، مشروعیت کسب کند. با اینهمه کرملین قبل از ۲۰۱۷ منطق گفت‌وگوهای آستانه را به عنوان روندی تدریجی برای تغییر آرایش در هر دو جبهه نظامی و دیپلماتیک ترسیم کرده بود.

مسکو وقتی نشست‌ها را در آستانه (که حالا به «نورسلطان» تغییر نام داده) سازماندهی می‌کرد، می‌خواست این ایده را تبلیغ کند که بخشی از اپوزیسیون سوریه مخالف اسد نیستند. ضمناً قرار بود آستانه برنامه‌ای باشد تا نمایندگان سوریه برای آغاز مذاکرات مقدماتی بیرون از چارچوب سازمان ملل از آن بهره ببرند. هرچند روسیه همواره ادعا می‌کرد که آستانه با تلاش‌های سازمان ملل مرتبط است، درحقیقت قطعنامه‌های سازمان ملل اسد را در جایگاهی برابر با اپوزیسیون قرار داد که دمشق آن را غیرقابل قبول و مسکو آن را خطرناک می‌دانست. تا اواخر ۲۰۱۴ و اوایل ۲۰۱۵ روسیه آن دسته از نمایندگان رژیم و شخصیت‌های اپوزیسیون را که خواهان رفتن اسد نبودند دور هم جمع کرده بود. «مجلس وطنی سوریه» که مخالفان واقعی اسد را نمایندگی می‌کند، این نشست‌ها را تحریم کرد. دست آخر این روند به ایجاد «گروه مسکو» درون اپوزیسیون سوریه انجامید که به شکاف‌های بیشتر ختم شد.

تلاش‌های تفرقه‌اندازانه روسیه با تکیه بر امکانات خود در میدان جنگ و تمرکز بر بازیگران نظامی محلی که همیشه ارتباط اندکی با

مخالفان سیاسی داشته‌اند شامل دوزدن چهره‌های سیاسی مخالف هم بود از سال ۲۰۱۵ روسیه مجموعه‌ای از ملاقات‌های غیررسمی را بین گروه‌های مسلح سوریه نزدیک به ترکیه نمایندگان اسد و شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران در آستانه آغاز کرد.

روسیه برای ادغام تلاش‌های سیاسی و نظامی خود در سوریه یک «چتر» انعطاف‌پذیر از مفاهیم مناسب ایجاد کرد حتی همزمان با آن که رژیم اسد از نیروهای نیابتی ایران و حمایت هوایی روسیه برای حملات پی‌درپی به نواحی تحت کنترل شورشیان استفاده می‌کرد مسکو از نیاز به «کاهش تنش» صحبت می‌کرد تا جنگ در جبهه‌های دیگر را متوقف سازد زیرا رژیم اسد توانایی کافی برای حملات همزمان به آن‌ها را نداشت روسیه همچنین برای توجیه نقض آتش‌بس در مناطقی که گروه‌های جهادی هم در آنجا حضور داشتند از مفهوم «تفکیک» بین جناح‌های شورشی استفاده می‌کرد پس از آن که تمرکز بر یک جبهه به رژیم اسد امکان می‌داد تا یک ناحیه مشخص را پس بگیرد مسکو برای «آشتی‌دادن» پادرمیانی می‌کرد و از جنگجویان محل می‌خواست یا تسلیم شوند یا تبعید به پایگاه شورشیان در ادلب را بپذیرند این فرایند در ۲۰۱۷ با حداکثر سرعت اجرا می‌شد: مثلاً در ماه می بین ترکیه و روسیه در شمال غرب سوریه در ماه جولای بین روسیه و احمد الجریا شخصیت ارشد مخالفان در نشست قاهره برای «تنش‌زدایی» در مناطق غوطه و الرستن و در سپتامبر بین روسیه آمریکا و اردن در جنوب سوریه.

هرچند بازیگران بین‌المللی متفاوتی برای این توافقات میانجی‌گری کردند ولی نشست‌های همزمان ولادیمیر پوتین با رجب طیب اردوغان و حسن روحانی رؤسای جمهور ترکیه و ایران نمایش بزرگی از رهبری آن‌ها در گفت‌وگوهای سوریه ارائه می‌کرد و به جهان نشان می‌داد که روسیه ترکیه و ایران بازیگران تعیین‌کننده در سوریه اند چون فقط آن‌ها مایل به پذیرش مخاطرات بزرگ و استفاده از نیروی نظامی برای شکل‌دادن به نتایج سیاسی هستند.

منطق اصلی آستانه و رای نمادین بودنش روشن است: آستانه مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای دوجانبه بین روسیه و بازیگران نظامی درگیر در جنگ است که با نشست‌های سیاسی سطح بالا تقویت می‌شود این روند به تدریج ساخته شده بی‌آن‌که هدف نهایی روشنی به جز ایجاد خطوط آترناتیوی داشته باشد که بیشتر به نفع اهداف روسیه است تا چارچوبی که قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل تعریف کرده است مسکو و تهران گام‌به‌گام و به شکلی روشمند از تفرقه میان گروه‌های مخالف غلبه روزافزون گروه‌های جهادی سلفی بر گروه‌های میانه‌روتر و ضعف غرب در سوریه بهره‌برداری کردند.

«اگر شکستی باید پولش را بدهی»

آتش‌بسی که پوتین و اردوغان در پنجم مارس در ادلب ترتیب دادند گویای واقعیت آستانه است: تصمیمات واقعی در آستانه گرفته نمی‌شود در واقع هیچ‌یک از آتش‌بسی‌های مهم گذشته در سوریه در چارچوب سه‌جانبه آستانه حاصل نشده است همانند توافق ماه گذشته توافق سپتامبر ۲۰۱۸ در سوچی بر سر ادلب و توافق اکتبر ۲۰۱۹ بر سر شمال شرق سوریه به طور دوجانبه بین مسکو و آنکارا حاصل شدند.

چارچوب آستانه عمدتاً با محور ترکیه ایجاد شده تا آنکارا را بیشتر از شرکای غربی‌اش دور کند اما این امر همزمان به اردوغان اهرم فشار مشابهی در برابر مسکو می‌دهد این سازوکارهای متناقض باعث می‌شود چارچوب آستانه کمتر پایدار باشد چون منافع ترکیه و روسیه در شمال سوریه کمتر با هم سازگار است.

نکته معنادار این است که ترکیه روسیه و ایران نتوانستند بر سر یک بیانیه مشترک در نشست ۲۲ آوریل آستانه بین وزرای خارجه خود توافق کنند و وزرای خارجه روسیه و ترکیه بیانیه‌های مطبوعاتی جداگانه‌ای منتشر کردند https://www.mid.ru/foreign_policy/news/-/asset_publisher/cKNonkJE02Bw/content/id/4104365?

نسبت به روند سیاسی سوریه منعکس می‌کرد و تضادهایی با برخی مواضع ترکیه داشت این بیانیه به قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل فقط با هدف تأکید بر حاکمیت سوریه اشاره می‌کند (که برای مسکو و تهران یعنی حفظ رژیم اسد) ولی بیانیه آنکارا https://www.mfa.gov.tr/no_-89_-astana-sureci-disisleri-bakanlari-toplantisi-hk.en.mfa به منظور تأکید بر لزوم یک روند سیاسی اساسی به قطعنامه یادشده اشاره کرده است بیانیه روسیه همچنین گفت‌وگوی بین سوری‌ها را به کمیته قانون اساسی سوریه تحت رهبری سازمان ملل که در سپتامبر ۲۰۱۹ ایجاد شد محدود می‌کند درحالی که آنکارا چارچوب قطعنامه ۲۲۵۴ را بزرگتر از مسئله قانون اساسی سوریه می‌داند علاوه بر آن مسکو بر رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم اسد به خاطر شرایط اضطراری شیوع کرونا اصرار دارد ولی آنکارا بر اقدامات اعتمادساز بین طرف‌های سوری و رفع بن‌بست آزادسازی زندانیان و ربوده‌شدگان تمرکز کرده است در جبهه نظامی بیانیه روسیه بر آنکارا فشار می‌آورد تا برای جداسازی گروه‌های مخالف در ادلب از آنچه که «تروریست‌ها» می‌خواند یعنی جداکردن جنگجویان جهادی از هیئت تحریر الشام اقدامات بیشتری انجام دهد.

آتش‌بس ۵ مارس تا امروز برقرار مانده و شش گشت مشترک روسیه و ترکیه طی چند هفته گذشته انجام شده است اما این آتش‌بس

احتمالا تا وقتی برقرار خواهد بود که رژیم اسد منابع لازم را برای ازسرگیری تهاجم نداشته باشد در هر صورت ادلب آخرین مرحله جنگ سوریه نخواهد بود. خواه ترکیه دوباره رژیم اسد را در ادلب متوقف کند یا اسد تمام شمال غرب را پس بگیرد و یا قلمرو بسته‌ای به سبک غزه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-crisis-in-idlib>) را تحت نفوذ ترکیه رها کند دمشق نهایتا توجه خود را به شمال شرق معطوف می‌کند جایی که نیروهای دموکراتیک سوریه پس از خروج بخش اعظم نیروهای آمریکایی در اکتبر ۲۰۱۹ نتوانستند مانع از آن شوند که رژیم اسد مناطق تحت کنترل خود را وسعت بخشد.

در کوتاه‌مدت روند آستانه برای روسیه کماکان فضای نظامی و دیپلماتیک برای مدیریت بحران‌ها را یکی پس از دیگری فراهم می‌کند. ولی بعید است راه‌حل سیاسی پایداری ارائه کند چون همه مسائلی که قرار بوده به آن‌ها رسیدگی کند به بن‌بست خورده‌اند: آتش‌بس‌ها برای کسب امتیازات تاکتیکی بوده و به‌ندرت دوام داشته‌اند تبادل زندانیان محدود است هیچ گفت‌وگوی سیاسی بین طرف‌های سوری در جریان نیست و کمیته قانون اساسی در نتیجه ایجاد موانع رژیم اسد در فرآیند کار فلج شده است.

بقای آستانه در درازمدت بیشتر به تمهیدات کوتاه‌مدت بین روسیه و ترکیه بستگی خواهد داشت. چارچوب آستانه هرچند کرملین احتمالا آن را موفقیت حساب می‌کند چالش‌های پیش‌روی مسکو را برجسته می‌سازد مسئله بیشتر به ترکیه بستگی خواهد داشت که تصمیم بگیرد تا کی و برای چه منافع می‌خواهد بازیگری در نمایش روسیه باشد که نه از مرزهای ترکیه توانسته محافظت کند نه سیل ورود پناهندگان را مدیریت کرده است و موضوع اصلی را هم که تداوم درگیری است حل‌نشده باقی گذاشته است یعنی فقدان یک روند مبتنی بر مذاکره قابل قبول که طی آن سوری‌ها بتوانند خودشان سازمان قدرت و نحوه عملکرد آن را در آیند کشورشان تعیین کنند.

**نارل تیپو هموند مهمان در انستیتو واشنگتن است.*



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲ ۱۱

Farzin Nadimi

([/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology))



BRIEF ANALYSIS

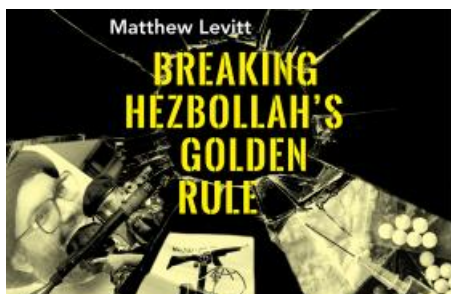
Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

۱۱ فوریه ۲۰۲۲



Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

۹ فوریه ۲۰۲۲



Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

TOPICS

(fa/policy-analysis/dmkrasy-w-aslah/) دمکراسی و اصلاح

(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/) نظامی و امنیتی

REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/trkyh/) ترکیه

(fa/policy-analysis/swryh/) سوریه